

هجمه به موضع علی الاصولی سرلشکر رضایی

مواضع قابل تحسین سرلشکر رضایی با موجی از انتقادات و هجمه‌های مجازی جریان وفاق همراه بود. حسام‌الدین آشنا، اصلاح‌طلب و رئیس اسبق مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، در واکنش به اظهارات قاطع سرلشکر رضایی در حساب خود در ایکس نوشت: «دبیر مصوبات را بیان می‌کند یا بیان خود را مصوب می‌داند؟» این موضع در حالی مطرح شد که آشنا در سال ۱۴۰۴ در حمایت از دبیرشعاع نوشته بود: «شورا یعنی دبیرخانه و دبیرخانه یعنی دبیر.» علاوه بر این، محمود صادقی، اصلاح‌طلب تندرو، نوشت: «بنده خدا!!! اون صندلی که رویش نشسته‌ای دبیری شعاعه نه ریاست جمهوری!!»



۲

فراموشی شدگان آسمان



۷

ماجرای مرغ‌هایی که تاریخ مصرفشان گذشت؛

دولت مرغ‌ها را به مردم نداد تا فاسد شد

۵



پزشکیان در اولین روز هفته دولت؛

روی دور سیاه‌نمایی

۲



مواجهه به دور از رسانه‌زدگی با طرح «مقابله با نفوذ»

علیرضا کریم‌خانی
کارشناس حقوق عمومی و قانون‌گذاری

صفحه ۳

سیاسی



حرکت برای اصلاح دیپلماسی

سخنان اخیر سرلشکر محسن رضایی در خصوص اصلاح دیپلماسی را هر چند تعبیر به لزوم تغییرات در دستگاه دیپلماسی کرده‌اند اما به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، روند منتهی به رسیدن به تفاهم‌نامه نیز مشمول این اصلاح خواهد شد.

صفحه ۴

اقتصادی



سیگنال دولت پزشکیان، دلار را به پرواز درآورد

در شرایطی که مقامات دولت طی هفته‌های اخیر، بیش از هر زمان دیگری از کمبود منابع، دشواری‌های ناشی از جنگ، محدودیت فروش نفت و ضرورت توافق برای عبور از بحران سخن گفته‌اند، بازار ارز نیز پیام خود را به زبان قیمت‌ها مخابره کرده است.

اخیراً بحث درباره طرح جدیدی که به طرح «مقابله با نفوذ» شهرت یافته، نظرات موافقان و مخالفان را برانگیخته است. هدف اصلی «طرح» مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌های بیگانه در کشور، چهارچوب‌مند نمودن ارتباطات خارجی و جلوگیری از فعالیت‌هایی است که تحت حمایت و هدایت بیگانگان برای آسیب به منافع و امنیت ملی انجام می‌شوند.

متن کامل در صفحه ۳

پزشکیان در اولین روز هفته دولت ضمن ارسال پالس ضعف به دشمن، نیروهای نظامی را متهم به نقض تفاهم خاتمه یافته اسلام‌آباد کرد

روی دور سیاه‌نمایی

رویه پیشین خود عقب‌نشینی نکرد و ضمن انتقاد دوباره از منتقدان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، با اظهاراتی ناامیدکننده، بار دیگر پالس ضعف به دشمن صادر کرد و نیروهای مسلح کشورمان را ناقض تفاهم‌نامه خاتمه یافته اسلام‌آباد خواند.

مسعود پزشکیان، در نخستین روز هفته دولت و با حضور در مرقد امام خمینی (ره) سخنرانی کرد. او که در ماه‌های اخیر با سخنرانیهای جنجالی و سراسر حاشیه و ضعف خود، زمینه را برای تسهیل فشارهای اقتصادی جبهه آمریکایی علیه کشور فراهم کرده است، در این سخنرانی نیز از



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

همه پشت سر آن تصمیم بایستیم و عمل کنیم. اگر این کار را کنیم، حتماً پیروز خواهیم شد؛ ولی اگر تصمیم بگیریم و نقض کنیم، طبیعتاً متزلزل خواهد بود.» نکته قابل تامل اظهارات پزشکیان این مطلب است که چرا به طور غیرمستقیم نیروهای مسلح را متهم به نقض تفاهم‌نامه می‌کند؟! و به این نکته که طرف آمریکایی همواره ناقض تعهدات خود بوده است اشاره‌ای ندارد؟! گفتنی است که اخیراً خاتمی در خطاب به نیروهای مسلح توصیه کرده بود که «به نقض تعهدات آمریکا پاسخ ندهید!» و به نظر می‌رسد پزشکیان در نهان سخنان خود ادامه دهنده مواضع خاتمی است. قابل ذکر است که خبرگزاری آمریکایی بلومبرگ نیز در واکنش اظهارات روز گذشته پزشکیان نوشته است: «رئیس جمهور ایران در جدیدترین واکنش خود به تندیروهایی که خواهان ادامه درگیری هستند، خواستار پایان جنگ با آمریکا شد.» بلومبرگ گزارش داد که اظهارات پزشکیان برای مقاطعی، قیمت جهانی نفت را کاهش داد.

بلومبرگ معتقد است که این اظهارات در حالی مطرح شده که آمریکا در حال افزایش فشار و تنش است و در این باره نوشت: «اظهارات پزشکیان در حالی مطرح می‌شود که هیچ نشانه‌ای از حل سریع مناقشه وجود ندارد و انتظار می‌رود اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، از برنامه‌هایی برای منزوی کردن اقتصادی ایران و شرکای تجاری‌اش رونمایی کند.» وی همچنین در حالی از ایستادگی نیروهای مسلح (ارتش، سپاه، بسیج و نیروی انتظامی) علیرغم خطر شهادت، قنطردانی کرد که انعقاد تفاهمنامه و بازی در زمین ترامپ، عملاً با کاهش قیمت نفت، خون این شهدا و سلحشوران نیروهای مسلح پایمال شد.

گرفت و فایننشال تایمز در گزارشی در واکنش به این اظهارات پزشکیان نوشت: «اظهارات مسعود پزشکیان منعکس‌کننده بحث درون نظام بر سر میزان فشار اقتصادی است که کشور میتواند تحمل کند.»

پزشکیان در ادامه سخنان خود با اظهاراتی سراسر عجز و ناامیدکننده گفت: «ترامپ خیلی راحت می‌گوید ما کوبنده‌ترین ویا وحشتناک‌ترین تحریم را بر ایران اعمال می‌کنیم؛ دشمن با بهره‌گیری از همه ابزارهای خود و اعلام علنی خصومت، تمام راه‌ها را بسته است و با دولت‌های مسلمان در حال گفتگو است تا با ما معامله نکنند و در وضعیت جنگی تمام‌عیاری قرار گرفته‌ایم.»

پزشکیان در بخش دیگری از اظهارات خود با دفاع دوباره از تفاهم‌نامه نقض‌شده اسلام‌آباد، از منتقدان سازش با آمریکا انتقاد کرد و اظهار داشت: «آنچه در روند تفاهم‌نامه به آن رسیدیم، بدون استثنا اجماع کارشناسی همه کسانی بود که دستی بر آتش داشتند.» وی افزود: «مشکلات ما از جایی نشأت می‌گیرد که نادانسته اقدام می‌کنیم، اگر درست عمل کنیم، هیچ قدرتی نمی‌تواند ما را به تسلیم وادارد و ما را به واماندگی برساند.»

پزشکیان که در کنار اصلاح‌طلبان بویژه خاتمی، آذر منصوری و همچنین محمدباقر قالیباف رئیس هیات مذاکره‌کننده، بارها از سند خسارت‌بار تفاهم‌نامه که رهبر انقلاب از آن تحت عنوان یک تجربه تاریک یاد کردند، دفاع کرده است، اظهار داشت: «قدرت، با وحدت و انسجام و ممدلی و با تبعیت از رهبری عزیز امکان‌پذیر است.»

او همچنین همه منتقدان و تاکیدکنندگان بر عملی‌العمل رهبر انقلاب را به حمایت از سند فاقد ضمانت اجرا و نقض‌شده و تمام شده اسلام‌آباد فراخواند و اظهار داشت: «وقتی تصمیم گرفتیم و تفاهم کردیم، باید

روز گذشته مسعود پزشکیان، در نخستین روز هفته دولت با حضور در مرقد بنیان‌گذار کبیر جمهوری اسلامی ایران، به سخنرانی پرداخت. پزشکیان که طی ماه‌های اخیر با سخنرانی‌های جنجالی و سراسر حاشیه و ضعف خود، زمینه تسهیل فشارهای اقتصادی جبهه آمریکایی بر کشور را فراهم کرده است، نیز در این سخنرانی از این رویه ناخوشایند خود عقب‌نشینی نکرد و ضمن انتقادات دوباره به منتقدان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، با اظهاراتی مشمئزکننده، دوباره پالس ضعف به دشمن و ناامیدی به جامعه را تزریق کرد.

پزشکیان در ابتدا سخنان خود با ارسال دوباره پالس ضعف به دشمن اظهار داشت: «دولت با تمام توان و اراده، عزم خود را بر حل مسائل اقتصادی، کنترل تورم، بهبود معیشت، اشتغال‌زایی و تأمین آینده عزتمندان مردم معطوف کرده است. ما به خوبی آگاهیم که جامعه امروز با دشواری‌های فراوانی دست‌به‌گریبان است و با تمام ظرفیت در تلاشیم تا از تشدید این مشکلات و گرفتاری مردم جلوگیری کنیم.»

به عبارت دیگر پزشکیان با این بیان اظهارات عملاً ادعاهای ترامپ مبنی بر اثرگذاری راهبرد فشار و محاصره اقتصادی آمریکا بر ایران را برای افکار عمومی آمریکا تایید میکند. موضوعی که باعث می‌شود دشمن آمریکایی نسبت به خطای محاسباتی خود در قبال قدرت و تاب‌آوری ایران تجدیدنظر نکند و عملاً ارسال پالس ضعف به دشمن زمینه‌ساز ادامه جنگی خواهد بود که پزشکیان مدام از آن اظهار عجز و ناتوانی می‌کند.

موضوعی که مورد سوز و رسانه‌های غربی قرار

یادداشت

ماجرای مرغ‌های تاریخ‌گذاشته؛ از استیضاح وزیر تا سکوت رئیس

حمید رسایی

نائب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس

افشای وجود ۲۰۰۰ تن مرغ منجمد تاریخ‌گذاشته، فقط یک تخلف اداری نیست؛ زنگ خطری درباره فروپاشی نظارت بر امنیت غذایی کشور است. در این پرونده، وزیر جهاد کشاورزی موظف است درباره نحوه نگهداری و توزیع این محموله به مردم پاسخ دهد، اما ماجرا فراتر از یک وزارتخانه است.

نکته تلخ اینجاست که بیش از یک سال و نیم پیش، نمایندگان مجلس نشانه‌های این سوءمدیریت را دیده و درخواست استیضاح وزیر جهاد و کشاورزی را ارائه کردند، اما رئیس مجلس از اعلام وصول آن خودداری کرد. حالا که فساد انبارها عیان شده، این سوال جدی مطرح است: چرا نظارت مجلس در آن مقطع عمل نکرد؟ چرا در برابر فریادهای نمایندگان برای اعمال قانون مقاومت کرد؟!

تناقض وقتی عمیق‌تر می‌شود که قالیباف خود اخیراً گفته بود «هر چقدر قدرت نظامی داشته باشیم، اگر مردم گرسنه باشند دوام نمی‌آوریم». این ادعا در تناقض آشکار با سکوت عملی و رفتار غیرقانونی وی در قبال مدیریت غلط کشور است.

حالا که این حجم عظیم از مواد غذایی نابود شده، پاسخ‌گویی صرف وزیر کافی نیست و مردم را قانع نمی‌کند؛ رئیس مجلس نیز باید روشن کند چرا ابزار نظارتی را به کار نگرفت، و مردم حق دارند بدانند چرا هشدارها نادیده گرفته شد؟ چرا مجلس شش ماه تعطیل بود؟ چرا جلسات مجلس مجازی است؟!

خبر کوتاه

قدردانی فرستاده ویژه رهبر انقلاب از عراق برای مشارکت در مراسم قائد شهید

روز گذشته فالح الفیاض، رئیس سازمان حشد شعبی عراق، از هیئت اعزامی از سوی «آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای» رهبر معظم انقلاب اسلامی، استقبال کرد. هیئت ایرانی در این دیدار از مواضع رسمی و مردمی عراق و ابزار همدردی و وفاداری ملت عراق در سوگ فقدان رهبر شهید انقلاب تجلیل کرد. در این دیدار، فالح الفیاض و فرماندهان حشد الشعبی ضمن ابراز تسلیت مجدد، بر تداوم روابط راهبردی و پیوند‌های مستحکم میان عراق و ایران تأکید کردند.

سردار قآنی: فلسطین آرمانی زنده و تغییرناپذیر است

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی نوشت: آرمان فلسطین، از بحر تا نهر، بیش از هر زمان دیگری زنده و دست‌یافتنی است. توسعه شهرک‌سازی و جنایات صهیونیست‌ها، تلاشی برای فرار از بحران و بن‌بست عمیق نظامی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی در سرزمین‌های اشغالی است و نمی‌تواند شکست‌های راهبردی آنان از ۷ اکتبر تاکنون را پنهان کند. فلسطین آرمانی زنده و تغییرناپذیر است؛ آرمانی که به یاری خدا تا تحقق پیروزی حق، پابرجا خواهد ماند.

جشن «امت احمد» در تهران برگزار می‌شود

روز گذشته معاون فرهنگی - هنری سپاه حضرت محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ، در گفت‌وگویی از برگزاری جشن بزرگ «امت احمد» با شعار «جهان در آغوش رحمت» خبر داد و اظهار کرد: هشتم شهریورماه میعادگاه عاشقان پیامبر رحمت و مهربانی حضرت محمد مصطفی (ص) در تهران خواهد بود. وی افزود: این اجتماع بزرگ با محوریت «خونخواهی رهبر شهید» در سایه اقتدار نبوی، با حضور اقشار مختلف مردم، خانواده‌ها، جوانان و فعالان فرهنگی برگزار می‌شود.

گفتمان

هجمه به موضع علی‌اصولی سرلشکر رضایی

روز گذشته، پس از گفتگوی تلویزیونی محسن رضایی (دبیر شورای عالی امنیت ملی) و مواضع علی‌اصولی وی، واکنش‌های متفاوتی از سوی فعالان سیاسی و رسانه‌ای شکل گرفت. از جمله واکنش رئیس شورای اطلاع رسانی دولت شهید رئیسی که در یادداشتی کوتاه نوشت: «صدای خیابان شنیده شد! سخنان بسیار مهم سرلشکر محسن رضایی نماینده رهبری و دبیر شعام و اشاره او به ضرورت اصلاح رفتار دیپلماسی جمهوری اسلامی جمع‌بندی کلان نظام و تأیید انتقادات بسیاری از دلسوزان مبنی بر روند اشتباه دیپلماسی کشور در ماه‌های اخیر است. با تغییر راهبردی در شعام صدای خیابان شنیده شد.»

البته که مواضع قابل تحسین سرلشگر رضایی با موجی از انتقادات و هجمه‌های مجازی جریان وفاق همراه بود. حسام‌الدین آشنا، اصلاح‌طلب و رئیس اسبق مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، در واکنش به اظهارات قاطع سرلشگر رضایی در حساب خود در ایکس نوشت: «دبیر مصوبات را بیان می‌کند یا بیان خود را مصوب می‌داند؟» این موضع در حالی مطرح شد که آشنا در سال ۱۴۰۴ در حمایت از دبیرشعام نوشته بود: «شورا یعنی دبیرخانه و دبیرخانه یعنی دبیر». علاوه بر این، محمود صادقی، اصلاح‌طلب تندرو، نوشت: «بنده خدا!! اون صندلی که رویش نشسته‌ای دبیری شعاعه نه ریاست‌جمهوری!!» همچنین محمد عطریانفر، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، مدعی شد: «این تذکرات و تحلیل‌ها باید با دقت بیشتری مطرح شود.»



یادداشت

مواجهه به دور از رسانه زدگی با طرح «مقابله با نفوذ»

علیرضا کریم خانی

کارشناس حقوق عمومی و قانون گذاری

اخیراً بحث درباره طرح جدیدی که به طرح «مقابله با نفوذ» شهرت یافته، نظرات موافقان و مخالفان را برانگیخته است. هدف اصلی «طرح مقابله با نفوذ» سرویس های اطلاعاتی و دولت ها با نهادهای بیگانه در کشور»، چهارچوب مند نمودن ارتباطات خارجی و جلوگیری از فعالیت هایی است که تحت حمایت و هدایت بیگانگان برای آسیب به منافع و امنیت ملی انجام می شوند. مطابق ماده (۳) و (۴)، مخاطب اصلی طرح، نهادهای حاکمیتی هستند و فعالیت های عادی و روزمره اشخاص مشمول آن نمی شود. بنابراین اغلب شهروندان عادی، اساساً مخاطب این طرح نیستند؛ اما بازنمایی رسانه ای طورییست که انگار «همه» درگیران خواهد بود. واقعیت این است: مخاطبان طرح، باید «برخی» سرفصل ها از فعالیت های حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یا آموزشی خود «در تعامل و همکاری با بیگانگان» را، صرفاً در یک سامانه «ثبت» کنند و تنها بعضی از فعالیت ها، آن هم با «مشارکت کشورهای متخاصم» نیازمند «اخذ مجوز» هستند. طبعاً برای عدم ثبت فعالیت و حسب مورد، عدم اخذ مجوز، ضمانت اجراهایی نیز پیش بینی شده است. بنابراین، مسئله اصلی در این طرح آن است که مقامات صالح، از انجام فعالیت های با مشارکت بیگانگان، «مطلع» باشند.

ضابطه اصلی که، ملاک ممنوعیت فعالیت ها است، «اطلاع از حمایت، اشعارف، هدایت، آموزش یا راهبری بیگانگان» در فعالیت ها و تعاملات با کارگزاران خارجی بوده که در مواد (۱۷)، (۲۴)، (۲۶)، (۲۷) و (۲۸) تصریح شده است. یعنی هریک مخاطبان طرح که در فعالیت های خود، بداند تحت هدایت بیگانگان قرار دارد و آن را آگاهانه انجام دهد، مشمول احکام طرح خواهد شد و اگر مطلع نباشد اما موجب ضربه به امنیت و منافع ملی شود، احکام سبک تری برای او پیش بینی شده است. گرچه این طرح بی ایراد نیست؛ اما برخی ادعاهایی که از زبان مخالفان این طرح شنیده می شود، در اغلب موارد ناشی از عدم مطالعه یا فهم طرح است و در معدود مواردی نیز، ناشی از اطلاع نسبت به عواقب طرح برای خودشان! با خواندن طرح، درمیابیم که ادعاهایی مثل «ممنوعیت تعامل علمی با کشورهای خارجی»، «قفل شدن فعالیت های اقتصادی»، «جرم انگاری رفتارهای عادی رسانه ای و فرهنگی» بی اساس هستند.

آری، در این طرح، فعالیت هایی که با حمایت بیگانگان بوده و نه ثبت شده و نه دارای مجوز باشد، ممنوع است و اگر خلاف منافع ملی باشد، مجازات سختی درپیش دارد؛ مانند: ارتباط با دستگاه های اطلاعاتی-امنیتی بیگانه، ارائه اطلاعات محرمانه به بیگانگان، اختلال در نظام اقتصادی تحت هدایت بیگانگان، مصاحبه با رسانه های معاند، تأمین هزینه های انتخاباتی از سوی بیگانگان و فعالیت در راستای کاهش مشارکت انتخابات، تولید محصولات رسانه ای و فرهنگی تحت راهبری بیگانگان و با هدف ضربه به حیثیت کشور، برگزاری کلاس ها و همایش های موردنظر بیگانگان و اجرای غیرقانونی اسناد بین المللی.

علاوه براین، برخی نکات مثبت در رسانه ها نادیده گرفته شده که سال ها به عنوان معضل وجود داشته و با این طرح، مردم می تواند نفس راحتی از دست آن ها بکشند؛ مثلاً در ماده (۱۶)، «دو تابعیتی ها» از اشتغال در تمامی مشاغل دولتی و عمومی محروم شده اند. طبق ماده (۲۴)، هر کسی با هدایت و راهبری بیگانگان، اختلال در نظام اقتصادی و معیشت مردم کند، مجازات شدیدتری خواهد داشت. با مثلاً، مجازات سنگینی برای کسانی که اطلاعات محرمانه کشور را به بیگانگان می دهند در ماده (۲۵) در نظر گرفته شده است.

با این حال، ابهامات و ایراداتی نیز به این طرح وارد است که می تواند اصلاح شود؛ تناسب برخی جرائم و مجازات ها، عدم ضابطه دقیق برای فعالیت های روزمره خارج از شمول طرح، اعطای صلاحیت مقرره گذاری بدون ضابطه دقیق به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و عدم تعیین دقیق ضوابط برای فعالیت های مجاز نیازمند اخذ مجوز، به عنوان سرفصل های بخشی از این ایرادات قابل طرح است که نه با حمله، بلکه با نقد منصفانه برطرف می شود.



شده و خیلی از کشورها اکنون به دنبال این موضوع هستند و کنترل و سازمان انرژی هسته ای را واقعاً از دست دنیا خارج کرده اند. آیا این احماقانه نبود؟ البته یک شک و شبهه ای هم وجود دارد.

سرلشکر رضایی در ادامه به موضوع محاصره دریایی اشاره کرد و گفت: بحث محاصره دریایی نیز چیزی نیست که امروز شروع شده باشد؛ الان چند ماه است که محاصره دریایی وجود دارد، اما مانفت خودمان را فروختیم. وی افزود: در همین یک، دو ماه گذشته، ۷۰ میلیون بشکه نفت را در آن دو، سه روزی که توافق نامه، یعنی هفته اول توافق نامه، انجام شد، فرستادیم.

دبیرشورای عالی امنیت ملی ادامه داد: آن هفته، هفته خوبی بود، چون ما حداکثر ۷۰ میلیون بشکه نفتی را که در اختیار داشتیم فرستادیم و رفت.

سرلشکر رضایی گفت: حالا هرروز ما به اندازه تولیدمان، با وجود اینکه آن طرف ناوهای آمریکا هستند، نفت می فروشیم. وی تأکید کرد: پس محاصره دریایی آقای ترامپ هم همین طور بود.

پاسخ ایران به تشدید جنگ اقتصادی «مقابله به مثل زلزله وار» است

دبیرشورای عالی امنیت ملی در ادامه هشدار داد: اما اگر ایشان بخواهد حالا کارهایی انجام بدهد، مقابله ما، مقابله به مثل زلزله وار خواهد بود.

وی افزود: اولاً به تمام کشورهای اطراف و کشورهای دنیا می گوئیم وارد جنگ اقتصادی در کنار آمریکا نشوند.

سرلشکر رضایی تصریح کرد: هر کشوری که شریک شود در ایجاد محدودیت اقتصادی علیه ما، ما او را دشمن تلقی می کنیم.

وی ادامه داد: البته ابتدا با آن کشور مذاکره می کنیم، جلسه می گذاریم و می گوئیم کنار بروید و صف خودتان را از آمریکا جدا کنید؛ اما اگر عمل نکردند، منافع آن کشور را می زنیم.

دبیرشورای عالی امنیت ملی: پس از چند دور مذاکره و بدعهدی آمریکا، باید در رفتار دیپلماتیک ایران با دنیا اصلاحاتی انجام شود

حرکت برای اصلاح دیپلماسی

دبیرشورای عالی امنیت ملی طی سخنانی بر اصلاح مسیر دیپلماسی تأکید کرد. سخنان اخیر سرلشکر محسن رضایی در خصوص اصلاح دیپلماسی را هر چند تعبیر به لزوم تغییرات در دستگاه دیپلماسی کرده اند اما به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، روند منتهی به رسیدن به تفاهم نامه نیز مشمول این اصلاح خواهد شد. روندی که پیام تاریخی علی الاصول رهبر انقلاب را در پی داشت و گفته می شود عزل دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی نیز در همین راستا بوده است. سخنان صریح دبیر شمع، همچنانکه انتظار می رفت واکنش منفی جریان سازش و چهره هایی چون عطریانفر و محمود صادقی و چهره های نزدیک به دولت را به دنبال داشت.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

دبیرشورای عالی امنیت ملی با اشاره به شرایط کشور پس از این حادثه گفت: با وجود این حزن، به توفیق خدای متعال و عنایات الهی شکرگزار هستیم که رهبری شبیه رهبر امام شهیدمان به ما داده اند. سرلشکر رضایی افزود: آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای، شبیه ترین فرد به رهبر شهید است و با وجود اینکه خودشان امروز واقعاً دارای حزن بزرگی هستند، پدری را از دست داده اند که پدر امت ایران بوده، خانواده شان را از دست داده اند، دامادشان و خواهرزاده شان را از دست داده اند، اما با قدرت ایران را در این مدت اداره کردند.

دبیرشورای عالی امنیت ملی گفت: همین جالازم است از ایشان تشکر کنم که به من اعتماد کرده اند و این مسئولیت خطیر را بر عهده من گذاشته اند.

سرلشکر رضایی افزود: امیدوارم بتوانم با کمک سران محترم قوا، نیت و رهنمودهای ایشان را ان شاء الله اجرایی کنم.

دبیرشورای عالی امنیت ملی در ادامه، در پاسخ به این پرسش که آیا انتصاب وی و فرماندهان نظامی جدید نشان دهنده تغییر رویکرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیت ملی و دفاعی است، اظهار کرد: شاید بهتر باشد بگوئیم تکامل در راهبردهای دفاعی ایران اتفاق افتاده است.

وی افزود: ما از جنگ ۱۲ روزه تا امروز مرتب در حال رشد و تکامل دفاعی و سیاسی هستیم.

سرلشکر رضایی تصریح کرد: ایران امروز دیگر ایران قبل از جنگ نخواهد بود؛ البته آمریکای پرمدها و مغرور هم دیگر آن آمریکای قبل از جنگ نخواهد بود.

وی با بیان اینکه الگوهای رفتاری بین المللی ایران دستخوش تحول شده است، گفت: همه دنیا الان با یک نگاه جدید به ایران نگاه می کنند و ما نمی توانیم در تراز این نگاه، رفتارهایمان را تکامل بخشیم و اصلاح نکنیم.

دبیرشورای عالی امنیت ملی ادامه داد: اصلاح هم در رفتار دفاعی و هم در رفتار دیپلماسی، جزو مهم ترین آموزه های ما در این انقلاب است.

دبیرشورای عالی امنیت ملی همچنین با اشاره به تجربه مذاکرات گذشته گفت: از طرف دیگر، به شدت نیاز داریم که بعد از چندین مذاکره و چندین بدعهدی آمریکایی ها، در رفتار دیپلماتیک خودمان

یک سال گذشته به کار گرفتیم، حتماً در نبردهای آینده خودمان به کار می گیریم. دبیرشورای عالی امنیت ملی، در ادامه سخنان خود در پاسخ به این پرسش که آیا تحولات اخیر در ساختار امنیتی و دفاعی کشور نشان دهنده تغییر در راهبرد جمهوری اسلامی ایران است، گفت: شاید به این تعبیر نشود گفت، اما حتماً در مسئله اداره و شیوه جنگ تغییراتی خواهیم داد و همچنین در رفتار دیپلماتیک ایران تحولات و تغییراتی صورت خواهد گرفت.

وی افزود: دلایلش روشن است؛ آمریکایی ها به مذاکرات و دیپلماسی خیانت کردند و حتی امضای خودشان را زیر پا گذاشتند.

سرلشکر رضایی تصریح کرد: بنابراین تحولی که امروز شروع شده، یک تحول جدید خواهد بود؛ هم سرآغاز رفتار دیپلماتیک ایران و هم سرآغاز دفاع مقتدرانه ایران در آینده خواهد بود.

دبیرشورای عالی امنیت ملی اظهار کرد: ما حتی در یک مقطعی رفتیم و برجام را با وجود اینکه حرف و حدیث های زیادی درباره آن وجود داشت و حتی امام شهید نیز اشکالاتی نسبت به آن داشت، پذیرفتیم.

وی افزود: حالا دنیا می گوید اگر به ایرانی که این همه تبعیت کرده حمله می کنند و حتی به مراکز هسته ای آن حمله می شود، چرا ما نرویم بمب بسازیم که کسی نتواند به ما حمله کند؟

سرلشکر رضایی تصریح کرد: از طرف دیگر، متوجه شده اند که اگر بمب اتم داشته باشند، از صدها ف ۳۵ و بسیاری از هزینه های دیگری نیاز می شوند و این برای آنها ارزان تر است.

دبیرشورای عالی امنیت ملی، در ادامه سخنان خود با اشاره به پیامدهای حمله به مراکز هسته ای ایران اظهار کرد: اشتیاقی در حمله هسته ای به ایران ایجاد

تثبیت شکننده بورس در قله ۶ میلیونی



بازار سهام در نخستین روز شهریور ۱۴۰۵، پس از فتح تاریخی ابرکاناتال ۶ میلیون واحدی در پایان مرداد، چهره‌ای متناقض از خود به نمایش گذاشت. در آغاز معاملات، حدود ۹۰ درصد نمادها با افزایش قیمت همراه بودند و ارزش صف‌های خرید به حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان رسید، اما در پایان دادوستدها، بسته شدن تابلوی معاملات با سبزپوشی ۵۶ درصد نمادها نشان می‌دهد که بازار پس از هیجان ورود به کانال ۶ میلیونی، وارد فاز بازاریابی پورتفوها شده است. حقیقی‌ها دیروز بیش از ۹۶۴ میلیارد تومان پول خرد از بازار خارج کردند؛ رخدادی که نشان از شناسایی سود دارد. با وجود این فروش سنگین، شاخص کل بورس در نهایت توانست با رشد ۸ هزار و ۲۹۲ واحدی (۰.۱۴ درصد) جایگاه خود را در کانال ۶ میلیون و ۶۹ هزار و ۸۸۸ واحدی حفظ کند. شاخص کل حتی تا

۶ میلیون و ۱۵۴ هزار واحد هم پیشروی داشت اما با فشار فروشنده‌ها آن را پس داد. در مقابل، عملکرد شاخص هم‌وزن با رشد ۱۲ هزار و ۶۱۲ واحدی (۰.۷۳ درصد) و ایستادن در محدوده یک میلیون و ۷۳۰ هزار واحدی، نشان از چرخش بخشی از نقدینگی به سمت سهام کوچک و متوسط دارد. شاخص کل فرابورس ایران نیز با رشد ۲۸۰ واحدی (۰.۵۷ درصد) در محدوده ۴۸ هزار و ۹۸۴ واحد تثبیت شد. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۴۶ هزار و ۴۲۱ میلیارد تومان رسید. همچنین مجموع ارزش بازارهای بورس و فرابورس نیز تراز ۲۷۸ هزار میلیارد تومان را لمس کرد تا ارزش کل بازارهای سهام در ۲۰ هزار و ۴۸۷ هزار میلیارد تومان قرار بگیرد. در این میان، گروه‌های خودرو، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و تولید

فلزات گران‌بهای غیرآهنی بیشترین جذب پول حقیقی را ثبت کردند. شاخص ۲۹ صنعت صعودی شد و میانگین رشد صنایع به ۰.۷۵ درصد رسید. محصولات کامپیوتری، الکترونیکی و نوری در صدر رشد قرار گرفتند و صنایع زغال‌سنگ و رادیویی نیز عملکرد مطلوبی داشتند. در مقابل، هتل و رستوران، استخراج کانه‌های فلزی و منسوجات با بیشترین افت مواجه شدند. همچنین شاخص ۱۳ صنعت سقف تاریخی جدیدی را ثبت کرد. بررسی معاملات نشان می‌دهد پس از عبور شاخص بورس از مرز ۶ میلیون واحد، بخشی از نقدینگی در حال حرکت به سمت سهام کوچک‌تر و متوسط است؛ روندی که تداوم آن به وضعیت نمادهای بزرگ، تعادل عرضه و تقاضا و مسیر ورود و خروج پول حقیقی در روزهای آینده بستگی خواهد داشت.

گزارش نوبنیاد از وعده ثبت تا دلار ۲۰۰ هزار تومانی؛

سیگنال دولت‌پزشکیان، دلار را به پرواز درآورد

دلار ۲۰۰ هزار تومانی، طلای ۲۲ میلیون تومانی و سکه ۲۲۰ میلیون تومانی فقط چند عدد روی تابلوی صرافی‌ها نیستند؛ این ارقام را می‌توان کارنامه دولت در مدیریت اقتصاد دانست. در شرایطی که مقامات دولت طی هفته‌های اخیر، بیش از هر زمان دیگری از کمبود منابع، دشواری‌های ناشی از جنگ، محدودیت فروش نفت و ضرورت توافق برای عبور از بحران سخن گفته‌اند، بازار ارز نیز پیام خود را به زبان قیمت‌ها مخابره کرده است.

کل کنونی بانک مرکزی دولت‌پزشکیان و منتقد آن روزهای دولت شهید رئیسی، این گونه دولت سیزدهم را خطاب قرار می‌داد: «مدام می‌گویند گذشتگان بانی وضع موجود هستند. پس شما برای چه آمدید و رئیس جمهور شدید؟ پس چرا در جلسات مناظره می‌گفتید ما می‌آییم وضع را درست می‌کنیم؟ شما که می‌دانستید وضعیت نامطلوب است، چرا آمدید و مسئولیت قبول کردید و وعده دادید؟ حالا که مسئولیت قبول کردید و آمدید، چرا با انداختن مشکلات گردن دیگران، مسئولیت اجرا نشدن وعده‌ها را به گردن نمی‌گیرید؟»

همتی در این کلیپ همچنین گفت: «من پیشنهاد می‌دهم اگر واقعاً گمان می‌کنید قبلی‌ها وضع را خراب کرده‌اند و شما نمی‌توانید آن را درست کنید، استعفا بدهید و کنار بروید. بگذارید انتخابات جدید برگزار شود با مشارکت اکثریت مردم. می‌گویند حکومت یک‌دست شده و این برای پیشبرد اهداف خوب است. باید در پاسخ گفت حکومت یک‌دست با اقلیت اتفاق نمی‌افتد؛ اکثریت مردم باید پشت دولت باشند.»

دیگر چشم مردم به دلار نیست

علاوه بر این، کلیپ کوتاه دیگری از اظهارات مسعود پزشکیان در زمان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳ روز گذشته در فضای مجازی دست به دست می‌شد. در این کلیپ، پزشکیان با اطمینان خاطر دادن به مردم بابت حفظ ارزش پول ملی در دولت خود اعلام می‌کند: «نمی‌خواهم مردم مدام چشمشان به اخبار باشد تا ببینند فردا نرخ دلار بالا می‌رود یا پایین می‌آید، چون فرق می‌کند چه کسی رئیس جمهور باشد.»

ترسیم می‌کند. رئیس بانک مرکزی نیز بارها به همین شیوه، سیگنال ضعف ارسال کرده است. عبدالناصر همتی هرچند تلاش می‌کند از خود چهره‌ای فعال و کارآمد در مواجهه با مسائل اقتصادی ترسیم کند، اما برای تیرئه خود از رکوردهای منفی اقتصادی، از جمله در شاخص تورم، مدام به بزرگ‌نمایی تأثیر جنگ بر مسائل کنونی اقتصاد ایران می‌پردازد. هرچند اظهار ضعف مقامات دولت محدود به روزهای اخیر نبوده، اما در مدت اخیر توانارین گزاره‌ها در مواضع آن‌ها و خصوصاً در محتوای رسانه‌های همسو با آن‌ها به شدت افزایش یافته است.

پاسخ بازار به پیام‌های دولت پزشکیان

نتیجه سیگنال‌های ضعف مقامات دولت طی روزهای اخیر در بازار ارز خودنمایی کرد؛ جایی که قیمت دلار آمریکا برای اولین بار در تاریخ از ۲۰۰ هزار تومان فراتر رفت. دلار ۲۰۰ هزار تومانی روز گذشته شاید مهم‌ترین خبر رسانه‌های ایران بود. بالا رفتن قیمت دلار البته آثار تبعی دیگری نیز داشت. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار روز گذشته از مرز ۲۲ میلیون تومان عبور کرد. قیمت هر قطعه سکه امامی هم به ۲۲۰ میلیون تومان رسید.

پیشنهاد همتی به پزشکیان

روز گذشته، هم‌زمان با ثبت رکورد تاریخی قیمت دلار، کلیپ کوتاهی از اظهارات همتی در انتقاد از دولت شهید رئیسی در فضای مجازی دست به دست می‌شد. دی‌ماه ۱۴۰۱، زمانی که دلار در کانال ۴۰ هزار تومانی قرار داشت، رئیس

جهش قیمت دلار، طلا و سکه در دو سال ابتدایی دولت پزشکیان

شاخص	اول شهریور ۱۴۰۳	اول شهریور ۱۴۰۵	مقدار و درصد تغییرات
نرخ دلار (هزار تومان)	۵۹	۲۰۰ (هزار تومان)	۱۴۱+ (۳۳۸.۹٪+)
بک گرم طلا (میلیون تومان)	۳.۶	۲۲ (میلیون تومان)	۱۸.۴+ (۵۱۱.۱٪+)
سکه امامی (میلیون تومان)	۴۳	۲۲۰ (میلیون تومان)	۱۷۷+ (۴۱۱.۶٪+)

هادی هدایت زاده
روزنامه نگار

منتقدان دیروز ساکتان امروز

رکوردهای قیمتی روز گذشته بازار طلا و ارز، ناخودآگاه ذهن را به سمت قیمت همین شاخص‌ها در اول شهریور سال ۱۴۰۳ و برهه شروع به کار دولت چهاردهم انداخت. روز نخست شهریور سال ۱۴۰۳، قیمت هر دلار حدود ۵۹ هزار تومان، هر گرم طلای ۱۸ عیار ۳۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و هر قطعه سکه ۴۳ میلیون تومان بود. اکنون اما با وجود پرش قیمت‌ها، دیگر خبری از آن انتقادهای تند و تیز همتی و پزشکیان و نگرانی‌ها بابت معیشت مردم نیست.

سیگنال ضعف از بلندگوی دولت

شاخص‌ترین و فعال‌ترین مقام دولت که طی این مدت به بزرگ‌نمایی تأثیر جنگ بر مشکلات اقتصادی پرداخته، مسعود پزشکیان بوده است. تقریباً تریبون نیست که وی در آن به اظهار ضعف، خصوصاً در حوزه مدیریت اقتصادی کشور، نپردازد. «پارسال ۶ میلیارد دلار بنزین وارد کردیم، اما امسال پول نداریم»، «وقتی پول نداریم توقع ایجاد نکنیم» یا «هزینه‌ها چند برابر شده، نفت نمی‌توانیم بفروشیم»؛ این‌ها تنها نمونه‌ای کوچک از ده‌ها اظهار ضعف رئیس دولت در هنگام پرداختن به موضوعات اقتصادی کشور است. البته تنها پزشکیان نیست که در پرداختن به موضوعات اقتصادی بن‌بست

موج خبر

گاردین: ترامپ آمریکا را به سمت بحران بدهی می‌برد

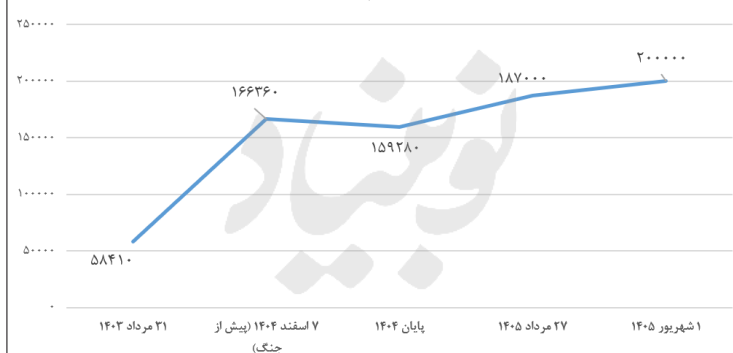
روزنامه گاردین دیروز در گزارشی هشدار داد که افزایش بدهی آمریکا، رشد هزینه استقراض و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به سیاست‌های اقتصادی دولت دونالد ترامپ، خطر شکل‌گیری یک بحران بدهی در این کشور را افزایش داده است. این نگرانی در شرایطی تشدید شده که بدهی دولت آمریکا برای نخستین بار از ۴۰ تریلیون دلار عبور کرده است. هم‌زمان، بازده اوراق ۳۰ ساله خزانه داری آمریکا به سطوحی رسیده است که از زمان بحران مالی ۲۰۰۸ تاکنون مشاهده نشده بود. مداخله خزانه داری آمریکا در بازار اوراق نیز نتوانسته است نگرانی‌ها در آمریکا را برطرف کند.

اسکات بسنت، وزیر خزانه داری این کشور، هفته گذشته اعلام کرد که خرید اوراق بلندمدت خزانه داری را دو برابر خواهد کرد تا از افزایش بیشتر بازدهی جلوگیری شود؛ با این حال، بازده اوراق ۳۰ ساله تا پایان هفته دوباره افزایش یافت. یکی از عوامل اصلی فشار بر بازار اوراق، نگرانی از تورم است. تداوم تنش‌ها در خاورمیانه و بالا ماندن قیمت نفت، چشم‌انداز تورم را نامطمئن کرده و این نگرانی را افزایش داده است که بانک مرکزی آمریکا برای مهار تورم ناچار به حفظ یا افزایش نرخ بهره شود. از سوی دیگر، شرکت‌های بزرگ فناوری برای توسعه مراکز داده هوش مصنوعی، حجم زیادی بدهی منتشر کرده‌اند. طبق برآورد جی‌پی مورگان، شرکت‌های بزرگ این حوزه از ابتدای سال تاکنون حدود ۲۱۹ میلیارد دلار بدهی منتشر کرده‌اند؛ موضوعی که بخشی از تقاضای سرمایه‌گذاران برای اوراق دولتی را به سمت بدهی شرکت‌ها سوق می‌دهد.

اما براساس گزارش گاردین، نگرانی اصلی، روند فزاینده بدهی دولت آمریکاست. دفتر بودجه کنگره آمریکا پیش‌بینی کرده است در صورت ادامه روند فعلی و نبود اصلاحات اساسی، نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی از حدود ۱۰۰ درصد کنونی به ۱۷۵ درصد طی ۳۰ سال آینده افزایش خواهد یافت. براساس این گزارش، سیاست‌های اقتصادی ترامپ، از جمله کاهش مالیات، تعرفه‌های متغیر و افزایش هزینه‌های دولت، اعتماد سرمایه‌گذاران به توانایی واشنگتن برای کنترل بدهی را تضعیف کرده است.

کاهش ارزش دلار هم‌زمان با افزایش بازده اوراق، از نگاه تحلیلگران، نشانه‌ای نگران‌کننده است؛ چراکه چنین ترکیبی معمولاً بیشتر در اقتصادهای نوظهور دیده می‌شود. این گزارش هشدار می‌دهد که مشکل فقط رقم بالای بدهی آمریکا نیست؛ بلکه اگر سرمایه‌گذاران اعتماد خود را به اوراق خزانه داری، به عنوان یکی از اصلی‌ترین دارایی‌های امن جهان، از دست بدهند، افزایش هزینه استقراض می‌تواند به دولت، شرکت‌ها و خانوارها منتقل شود و در نهایت فشار گسترده‌ای بر اقتصاد جهان وارد کند.

نرخ دلار از ابتدای دولت پزشکیان تا کنون (تومان)



گزارش نوبنیاد از ماجرای مرغ‌هایی که در سردخانه ماندند و تاریخ مصرفشان گذشت؛

دولت مرغ‌ها را به مردم نداد تا فاسد شد

در حالی که مردم طی ماه‌های اخیر مرغ را با قیمت‌هایی بی‌سابقه خریدند و بازار این کالای اساسی بارها دچار نوسان شد، حالا خبرهای رسمی از سرنوشت بخشی از مرغ‌های ذخیره‌شده در سردخانه‌ها، تصویری متفاوت و البته تلخ از مدیریت بازار

پروتئین در کشور نشان می‌دهد؛ مرغی که می‌توانست در زمان افزایش قیمت به بازار تزریق شود، به‌جای آن در سردخانه ماند و تاریخ مصرفش به پایان رسید که بازی با امنیت غذایی مردم محسوب می‌شود.



نیمای سهیلی

روزنامه نگار

در شماره روز شنبه هفته جاری روزنامه نوبنیاد، گزارشی با عنوان «از مرغ تاریخ‌گذشته تا ادعای خودکفایی» به بخشی از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی دولت چهاردهم پرداختیم. با این حال قیمت گوشت مرغ در ماه‌های گذشته نوسان شدیدی داشت؛ به‌طوری‌که هر کیلوگرم مرغ در بهار سال جاری حتی تا حدود ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافت. همان زمان بخشی از تولید کشور نه به دست مصرف‌کننده رسید و نه به‌موقع صادر، فرآوری یا ذخیره‌سازی شد؛ بلکه در سردخانه‌ها ماند، تاریخ مصرفش گذشت و اکنون باید برای تعیین تکلیف، به چرخه صنعتی یا امحا فرستاده شود.

این موضوع بازی با امنیت غذایی کشور است. با این حال هفته گذشته، محمد جواد عسگری، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، از وجود حدود ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن مرغ منجمد تاریخ‌مصرف‌گذشته در سردخانه‌ها خبر داد؛ محموله‌ای که به گفته او، قرار بوده است بدون انجام آزمایش‌های لازم و با تغییر تاریخ انقضا، برای سه ماه دیگر به بازار عرضه شود. اگرچه این رقم تاکنون از سوی وزارت جهاد کشاورزی یا سایر دستگاه‌های مسئول به طور رسمی تکذیب نشده است، اما دیروز دامپزشکی استان تهران از جمع‌آوری دو هزار تن مرغ تاریخ‌گذشته از سردخانه‌های استان تهران خبر داد.

همین اعلام رسمی، فارغ از اختلاف میان رقم دو هزار تن و ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن، اصل وجود مرغ‌های تاریخ‌گذشته و انباشت آن‌ها در سردخانه‌ها را تأیید می‌کند. اکنون پرسش اصلی این است که چگونه ممکن است در کشوری که خانوارهای کم‌درآمد برای خرید یک مرغ کامل با مشکل مواجه‌اند، هزاران تن مرغ تولید شود، در سردخانه بماند و در نهایت تاریخ مصرفش پایان یابد؟

سوءمدیریت، مرغ را به سردخانه‌ها فرستاد

وزارت جهاد کشاورزی دولت پزشکیان طی ماه‌های گذشته تلاش کرد تا تصویر مثبتی از وضعیت تولید ارائه کند. غلامرضا نوری قزلبچه، وزیر جهاد کشاورزی، نیز در نشست خبری اخیر خود، با اشاره به افزایش هزینه‌های تولید، گفت: قیمت مرغ از حدود ۱۴۰ هزار تومان در سال گذشته به حدود ۳۷۰ هزار تومان رسیده که این افزایش ناشی از افزایش شدید هزینه

نهاده‌ها به دلیل حذف ارز ترجیحی است؛ به‌گونه‌ای که قیمت ذرت از حدود ۱۱ هزار تومان به ۴۳ هزار تومان و قیمت کنجاله از حدود ۲۰ هزار تومان به ۸۵ هزار تومان رسیده است. این اظهارات، اگرچه بخشی از واقعیت بازار را توضیح می‌دهد، اما پاسخ کاملی برای بحران مرغ نیست. افزایش قیمت نهاده‌ها، بدون تردید، بر قیمت تمام‌شده مرغ اثر می‌گذارد، اما مشکل فعلی فقط گرانی تولید نیست. مسئله اصلی، ناتوانی دولت در ایجاد هماهنگی میان تولید، توزیع، مصرف، ذخیره‌سازی و صادرات است.

محمد جواد عسگری، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، هفته گذشته گفت: ظرفیت ما در تولید پروتئین سفید و تخم‌مرغ بسیار خوب است. حدود ۲۱ هزار و ۵۰۰ واحد تولید مرغ و تخم‌مرغ در کشور داریم که حدود ۳ میلیون تن گوشت مرغ تولید می‌شود. نیاز کشور نیز سالانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن است که حدود ۵۰۰ هزار تن مازاد تولید وجود دارد؛ این مازاد یا باید به صنایع تبدیلی برود، یا برای مواقع ضروری ذخیره شود، یا صادر شود.

او با بیان اینکه طی سه تا چهار ماه گذشته قیمت مرغ نوسان زیادی داشت، افزود: طبق مدارک و شواهد و به‌واسطه بی‌تدبیری و سوءمدیریت، بخشی از تولید مرغ در سردخانه‌ها مانده و مسئولان مربوط قصد داشتند ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن مرغ تاریخ‌مصرف‌گذشته را بدون انجام آزمایش، با تغییر تاریخ انقضا، برای سه ماه تمدید و به بازار عرضه کنند. این نماینده مجلس حتی اعلام کرد که به معاونت سازمان دامپزشکی فشار آورده‌اند تا تاریخ مصرف مرغ‌ها را تغییر دهد؛ اما این مقام زیربار نفرت و به دلیل عدم همکاری، از معاونت دامپزشکی عزل شد.

دامپزشکی، مرغ تاریخ‌گذشته را تأیید کرد

احمد شریعتی، مدیرکل دامپزشکی استان تهران، روز گذشته در جمع خبرنگاران اعلام کرد: حدود ۲ هزار تن مرغ تاریخ‌گذشته از تمامی سردخانه‌های استان جمع‌آوری شده است. او گفت این محموله‌ها هم در سردخانه‌های شرکت پشتیبانی امور دام استان تهران و هم در سردخانه‌های بخش خصوصی نگهداری می‌شدند و پیش از عرضه به بازار جمع‌آوری شده‌اند. این مقام دامپزشکی توضیح داد: بازرسان دامپزشکی عمدتاً حدود دو ماه پیش از پایان تاریخ مصرف، هشدارهای لازم را به صاحبان محموله‌ها، اعم از بخش دولتی و خصوصی، ارائه می‌کنند. امسال حدود سه

هزار تن مرغ نزدیک به پایان تاریخ مصرف در سردخانه‌های استان تهران شناسایی شد که بخش عمده این محموله‌ها مشکل بهداشتی خاصی نداشتند، اما به دلیل پایان تاریخ مصرف، اجازه عرضه در بازار خرده‌فروشی و مصرف خانوار را نداشتند و مطابق ضوابط، برای مصارف صنعتی مجاز تعیین تکلیف شدند.

به گفته شریعتی، محموله‌هایی که براساس نتایج آزمایش‌ها قابلیت مصرف خوراکی نداشته باشند، پس از طی فرایند حرارتی به پودر گوشت تبدیل می‌شوند و درباره محموله‌هایی که مشکل بهداشتی ندارند نیز نوع مصرف براساس دستورالعمل‌های سازمان دامپزشکی تعیین می‌شود. این توضیحات نشان می‌دهد که دست‌کم در استان تهران، مرغ‌های تاریخ‌گذشته واقعا در سردخانه‌های دولتی و خصوصی نگهداری شده‌اند و پیش از عرضه به بازار جمع‌آوری شده‌اند.

ناپودی یک میلیون مرغ کامل

جمع‌آوری دو هزار تن مرغ تاریخ‌گذشته فقط از سردخانه‌های استان تهران، یعنی دو میلیون کیلوگرم مرغ است. اگر وزن متوسط هر مرغ کامل را دو کیلوگرم در نظر بگیریم، با حدود یک میلیون قطعه مرغ مواجه هستیم؛ یعنی محصولی که می‌توانست به یک میلیون خانوار نیازمند، برای هر خانوار یک مرغ کامل، اختصاص یابد.

با احتساب قیمت ۳۷۰ هزار تومان برای هر کیلوگرم، ارزش این حجم مرغ حدود ۷۴۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود. البته این برآورد تنها ارزش مستقیم محصول است و هزینه‌های تولید، حمل، انجماد، نگهداری، برق، اجاره سردخانه و هزینه‌های بازرسی و تعیین تکلیف را دربرنمی‌گیرد. اگر رقم ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن اعلام‌شده از سوی رئیس کمیسیون کشاورزی نیز در سطح ملی تأیید شود، ابعاد اقتصادی ماجرا چندین برابر خواهد بود. فاسد شدن چنین حجمی از مرغ، صرفاً هدررفت سرمایه تولیدکننده نیست، بلکه اتلاف منابع ملی است.

نهاده، انرژی، آب، نیروی کار، حمل‌ونقل و سرمایه‌ای که برای تولید این مرغ مصرف شده، در نهایت، بدون آنکه به مصرف‌کننده برسد، از بین رفته است. نهادهای رسمی و مجلس شورای اسلامی باید این موضوع ورود کنند، زیرا مردم حق دارند بدانند چگونه در میانه گرانی مرغ، دولت اجازه داد هزاران تن مرغ در سردخانه بماند و تاریخ مصرفش تمام شود؛ و چرا هزینه این بی‌تدبیری باید از جیب تولیدکننده، مصرف‌کننده و منابع عمومی پرداخت شود.

نبض اقتصاد

هزینه تولید، ۲ برابر شد؛ تورم بالا پایدار می‌ماند

شتاب افسارگسیخته تورم تولیدکننده در بهار ۱۴۰۵، هشداری جدی برای بخش واقعی اقتصاد است. عبور تورم نقطه‌به‌نقطه از مرز ۹۸ درصد، پیامی جز «تله هزینه» برای بنگاه‌ها و «فشار مضاعف» بر سفره خانوارها ندارد. این داده‌ها نشان می‌دهد موتور تولید کشور زیرفشار بی‌سابقه‌ی هزینه‌ها، در آستانه ورود به بحرانی غیرقابل‌مهار است. تورم در نقطه آغاز زنجیره تولید، با شتابی نگران‌کننده در حال افزایش است. تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران از شاخص قیمت تولیدکننده نشان می‌دهد میانگین قیمت دریافتی تولیدکنندگان در بهار ۱۴۰۵ نسبت به بهار سال گذشته تقریباً دو برابر شده است. تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده در این فصل به ۹۸.۹ درصد رسیده؛ رقمی که نسبت به فصل قبل ۳۳.۸ واحد درصد افزایش دارد. هم‌زمان، تورم فصلی تولیدکنندگان نیز به ۲۸.۳ درصد رسیده و تورم سالانه با جهشی ۱۵.۵ واحد درصدی، ۶۶.۷ درصد ثبت شده است. در میان بخش‌های ۳ درصدی وزی با تورم نقطه‌به‌نقطه ۱۴۴.۳ درصدی و تورم سالانه ۸۶.۹ درصدی، بیش از سایر بخش‌ها زیرفشار افزایش قیمت‌ها قرار گرفته است.

براساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم فصلی تولیدکننده در بهار امسال ۲۸.۳ درصد بوده است؛ به این معنا که تولیدکنندگان در طول بهار امسال، به‌طور متوسط با افزایش نزدیک به ۳۰ درصدی قیمت‌های دریافتی خود مواجه شده‌اند. این شاخص در زمستان سال گذشته ۲۴.۸ درصد بود و در بهار امسال ۳.۵ واحد درصد افزایش یافته است. بنابراین، فشار هزینه و قیمت در مبدأ تولید نه تنها کاهش نیافته، بلکه در نخستین فصل سال جاری تشدید شده است؛ اما نگران‌کننده‌ترین بخش گزارش، تورم نقطه‌به‌نقطه است. براساس آمار مرکز آمار، قیمت دریافتی تولیدکنندگان در بهار امسال نسبت به بهار ۹۸.۹، ۱۴۰۴ درصد افزایش یافته است. به بیان ساده، تولیدکننده‌ای که یک سال قبل محصول خود را با قیمت مشخصی به فروش می‌رسانده، آن قیمت اکنون به‌طور متوسط نزدیک به دو برابر شده است.

این شاخص نیز نسبت به زمستان سال گذشته جهش قابل توجهی داشته است. تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده در فصل قبل ۶۵ درصد بود که در بهار امسال به ۹۸.۹ درصد رسید؛ یعنی ۳۳.۸ واحد درصد افزایش تنها در یک فصل. در میان بخش‌های اصلی اقتصاد، کشاورزی با فاصله قابل توجهی بیشترین تورم را تجربه کرده است. تورم نقطه‌به‌نقطه این بخش در بهار به ۱۴۴.۳ درصد رسیده است؛ یعنی قیمت دریافتی تولیدکنندگان کشاورزی نسبت به بهار سال گذشته بیش از دو برابر شده است. تورم سالانه کشاورزی نیز ۸۶.۹ درصد اعلام شده که بالاترین رقم در میان بخش‌های اصلی اقتصاد است. این وضعیت نشان می‌دهد فشار قیمتی در بخش کشاورزی صرفاً یک جهش مقطعی نیست و در یک دوره طولانی‌تر نیز خود را نشان داده است.

این ارقام در کنار داده‌های مربوط به زیربخش‌های کشاورزی که از تورم‌های بسیار بالا در تولیدات مختلف این بخش حکایت دارد، تصویری نگران‌کننده از وضعیت تولید غذا ارائه می‌کند؛ به‌ویژه آنکه افزایش هزینه تولید در این بخش در نهایت می‌تواند خود را در قیمت کالاهای مصرفی خانوارها نشان دهد. مجموع ارقام گزارش مرکز آمار، از تشدید قابل توجه تورم در سمت تولید اقتصاد حکایت دارد. افزایش تورم سالانه تولیدکننده از ۵۱.۲ درصد در زمستان به ۶۶.۷ درصد در بهار و جهش تورم نقطه‌به‌نقطه از ۶۵ به ۹۸.۹ درصد، نشان می‌دهد فشارهای قیمتی در مبدأ تولید با سرعت زیادی در حال افزایش است. اگر این روند ادامه پیدا کند، مسئله فقط افزایش هزینه تولیدکنندگان نخواهد بود؛ چرا که بنگاه‌ها برای حفظ حاشیه سود خود ناچار خواهند بود بخشی از افزایش هزینه‌ها را به قیمت فروش منتقل کنند. به این ترتیب، تورم بالای تولیدکننده می‌تواند به یکی از عوامل تشدیدکننده تورم در مراحل بعدی زنجیره اقتصاد تبدیل شود؛ موضوعی که اهمیت مهار هزینه‌های تولید و جلوگیری از تداوم این شتاب تورمی را بیش از پیش برجسته می‌کند.

آمار مرغ‌های مانده در سردخانه چقدر است؟

وزارت جهاد کشاورزی باید به‌طور شفاف اعلام کند

مجموع مرغ‌های تاریخ‌گذشته در سراسر کشور چه میزان است، چه مقدار از آن وارد چرخه مصرف شده، چه مقدار به مصارف صنعتی اختصاص یافته و چه میزان امحا یا به پودر گوشت تبدیل شده است.

همچنین باید مشخص شود مسئولیت تصمیم‌گیری درباره این محموله‌ها با کدام نهاد بوده و چرا هشدارهای دامپزشکی، پیش از پایان تاریخ مصرف، به اقدام عملی منجر نشده است. چگونه ممکن است در کشوری که در مقاطعی قیمت مرغ به‌شدت افزایش پیدا می‌کند، هزاران تن مرغ در سردخانه بماند و تاریخ مصرفش تمام شود؟

یادداشت

ریاض در دوراهی بی‌راهه

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

آنچه امروز در جبهه یمن و عربستان جریان دارد، معادله‌ای است که در آن ابتکار عمل به تدریج از ریاض گرفته شده است. عربستان از یک سو نمی‌خواهد محاصره یمن را کنار بگذارد و از سوی دیگری داند هر اقدام نظامی علیه انصارالله می‌تواند با پاسخ‌هایی پرهزینه‌تر، اقتصاد و زیرساخت‌های حیاتی این کشور را هدف قرار دهد. به همین دلیل، ریاض در وضعیتی گرفتار شده که نه راه پس دارد و نه راه پیش.

پس از اقدام یمنی‌ها بعد از ورود تنها یک پهپاد سعودی به حریم یمن و پاسخ نیروهای یمنی، تصویری روشن از تغییر موازنه نمایان می‌شود. پس از این اقدام، مواضع وزیرساخت‌هایی در جیزان و تأسیسات آرامکو هدف قرار گرفت و انفجارهای گسترده، بار دیگر نشان داد که فاصله میان تصمیم نظامی ریاض و هزینه‌ای که باید بپردازد، بسیار کوتاه شده است.

این همان معادله‌ای است که سعودی‌ها از آن هراس دارند. پاسخی که فقط میدان نظامی را هدف نمی‌گیرد، بلکه نفت، بنادر، کشتیرانی و امنیت اقتصادی عربستان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نشانه‌های این فشار را می‌توان در وضعیت صادرات نفت عربستان نیز مشاهده کرد. براساس گزارش‌های منتشرشده، تنها یک نفتکش فوق‌بزرگ در بندر ینبع در حال بارگیری بوده و چند کشتی کوچک‌تر نیز در اسکله‌های متعلق به آرامکو حضور داشته‌اند. کاهش صادرات نفت از دریای سرخ در شرایطی رخ داده که تأسیسات و نفتکش‌های سعودی طی هفته‌های اخیر بارها هدف حملات یمنی قرار گرفته‌اند.

براساس داده‌های مورد استناد بلومبرگ، صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی از دریای سرخ با کاهش حدود ۲ میلیون بشکه‌ای به حدود ۴ میلیون بشکه در روز رسیده است. این یعنی محاصره یمن، برخلاف تصور اولیه ریاض، می‌تواند به محاصره اقتصادی خود عربستان تبدیل شود.

فایننشال تایمز نیز با اشاره به تشدید عملیات یمنی‌ها علیه عربستان تصریح کرده که ریاض اکنون میان دو انتخاب دشوار گرفتار شده است: تشدید جنگ یا حرکت به سمت آتش‌بس. هر دو گزینه برای سعودی‌ها هزینه‌بر است. طبق همین گزارش، در فاصله یک ماه تا ۱۴ اوت، ۱۶ حمله علیه اهداف سعودی، از جمله تأسیسات نفتی و نفتکش‌ها، ثبت شده است. همزمان یمنی‌ها عملیات خود را علیه مواضع نیروهای وابسته به عربستان در استان الضالع نیز ادامه داده‌اند. یعنی حتی در شرایطی که ریاض از ورود مستقیم به جنگ هراس دارد، نیروهای تحت حمایت آن در میدان نیز از حملات یمنی‌ها در امان نیستند. در همین حال، یمن با توسعه توانمندی‌های خود، میدان نبرد را به عرصه‌های تازه‌ای نیز گشوده است. اعلام موجودیت گروه سایبری «اویس قرنی» وابسته به انصارالله از تلاش یمنی‌ها برای گسترش میدان تقابل به فضای سایبری حکایت دارد. میدانی که می‌تواند مکمل فشارهای نظامی و اقتصادی باشد.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

مذاکرات فشرده آمریکا و کانادا که قرار بود از اعمال تعرفه‌های جدید جلوگیری کند، به بن‌بست رسید. آن هم در شرایطی که تنها ساعاتی پیش از فروپاشی مذاکرات، دونالد ترامپ مدعی شده بود توافق میان دو کشور «بسیار نزدیک» است. اما کمتر از چند ساعت بعد، ورق برگشت و واشنگتن تعرفه‌های جدید را اجرایی کرد.

به گزارش نیویورک تایمز، مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا، مذاکرات را به دلیل طرح شروط جدید آمریکا متوقف کرد. شروطی که از نگاه او «ناعدلانه، غیراقتصادی و تردیدبرانگیز» درباره قابلیت اعتماد به هر توافق آینده بود. آمریکا تعرفه‌های ۵۰ درصدی را بر بخشی از کالاهای کانادایی اعمال کرد و کانادا نیز از اجرای تعرفه‌های تلافی جویانه «دلار در برابر دلار» از هشتم سپتامبر خبر داد. این ماجرا فقط یک اختلاف تجاری میان دو کشور همسایه نیست بلکه نشانه‌ای روشن از تغییری است که در نگاه حتی نزدیک‌ترین متحدان واشنگتن نسبت به مذاکره با دولت ترامپ ایجاد شده است.

کارنی صریح‌تر از همیشه اعلام کرد: «مانی توانیم آنچه را آنها ارائه کرده‌اند بپذیریم و آنچه را خواسته‌اند نخواهیم داد.» نخست‌وزیر کانادا همچنین گفت آمریکا تغییر کرده و حتی امضای واشنگتن را نیز نمی‌توان تضمینی دائمی دانست؛ به تعبیر او، «گاهی امضای آمریکا با ممداد نوشته می‌شود.»

آمریکا مذاکره می‌کند یا امتیاز می‌گیرد؟
جزئیات مذاکرات نشان می‌دهد اختلافات تنها بر سر چند درصد تعرفه نبوده است. واشنگتن خواهان عقب‌نشینی کانادا از برخی سیاست‌های حمایت از صنایع

کانادا هم زیر بار زیاده‌خواهی‌های ترامپ نرفت

درس کانادا برای دلباختگان تفاهم‌نامه

شکست مذاکرات تجاری آمریکا و کانادا و تصمیم اتاوا برای مقابله «دلار به دلار» با تعرفه‌های واشنگتن، یک واقعیت مهم را دوباره به رخ کشید. مذاکره با آمریکا تا زمانی که طرف مقابل حاضر به پرداخت همه منافع و دستاوردهای خود نباشد، هیچگاه به نتیجه نخواهد رسید. کانادا بدون آنکه تجربه سال‌ها مذاکره با آمریکا را داشته باشد، فهمید توافقی که حاکمیت و منافع ملی را گروگان بگیرد، توافق نیست. اما در ایران هنوز کسانی هستند که تجربه برجام، مذاکرات پیش از جنگ ۱۲ روزه، مذاکرات پیش از جنگ ۴۰ روزه و حتی سرنوشت تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را به اندازه کافی جدی نگرفته‌اند و به مذاکرات دل بسته‌اند.

درس کانادا برای غرب‌گرایان ایرانی

اما بخش مهم‌تر ماجرا برای ایران است. کانادا بدون تجربه مستقیم برجام و بدون تحمل تجربه سال‌ها مذاکره با آمریکا، اکنون به این جمع‌بندی رسیده است که اگر واشنگتن بخواهد توافق را به ابزاری برای تحمیل خواسته‌های یک طرفه تبدیل کند، نباید صرفاً به امید امضای یک سند پای میز مذاکره نشست.

در ایران اما عده‌ای همچنان گرفتار همان تصور قدیمی هستند. تصور اینکه اگر متن توافق زیبا باشد، اگر وعده‌ها جذاب باشد و اگر طرف آمریکایی چند بار از «توافق نزدیک» سخن بگوید، می‌توان به نتیجه‌ای پایدار رسید.

برجام چه شد؟ توافقی که قرار بود گشایش اقتصادی ایجاد کند، با خروج آمریکا و زیرپا گذاشتن تعهدات واشنگتن عملاً به سندی بی‌اثر تبدیل شد. مذاکرات پیش از جنگ ۱۲ روزه چه درسی داشت؟ مذاکرات پیش از جنگ ۴۰ روزه چه تضمینی ایجاد کرد؟ حتی تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز در نهایت نتوانست آن چیزی را که روی کاغذ وعده داده بود، در میدان عمل محقق کند.

ترامپ نیز نهایتاً همان توافق را پاره کرد و رفت. با این حال هنوز عده‌ای در داخل به جای درس گرفتن از این تجربه‌ها، چشم به متن توافق دوخته‌اند و به امید اجرای ۱۴ بند تفاهم‌نامه هستند.

مذاکره بدون قدرت، نام دیگری دارد

مذاکره زمانی معنا دارد که دو طرف احساس کنند طرف مقابل توان تحمیل هزینه دارد. اگر یک طرف فقط امتیاز بدهد و طرف دیگر هر روز مطالبه جدیدی مطرح کند، اسم این روند معامله نیست؛ اسم آن باج‌گیری است. فرید زکریا نیز در تحلیلی درباره کاهش اعتبار آمریکا هشدار داده که دولت‌ها به این نتیجه می‌رسند سازش با واشنگتن الزماً امنیت ایجاد نمی‌کند؛ روندی که او آن را نشانه‌ای از افول یک ابرقدرت دانسته است.

آمریکای امروز، آمریکایی است که حتی نزدیک‌ترین همسایه و متحدش را با تعرفه تهدید می‌کند. قراردادی را که هنوز درباره آن سخن از توافق می‌گوید، چند ساعت بعد با شروط تازه به بن‌بست می‌کشاند و از طرف مقابل انتظار دارد هربار برای جلوگیری از بحران، امتیاز جدیدی بدهد.

داخلی، تولیدات فرهنگی، محتوای فرانسوی زبان و حتی برخی الزامات مربوط به برچسب‌گذاری محصولات بود. در مقابل، کانادا بر منافع بخش‌های مختلف اقتصادی خود، از خودرو و فولاد و آلومینیوم گرفته تا چوب و صنایع فرهنگی، تأکید داشت.

نماینده تجاری آمریکا مدعی شده بود واشنگتن حتی پیشنهاد کاهش برخی تعرفه‌ها بر فولاد، آلومینیوم و خودرو و حذف تعرفه جدید چوب کانادا را داده است. اما در نهایت، دو طرف نتوانستند به توافق برسند و تعرفه‌های جدید اجرایی شد.

این همان نقطه‌ای است که باید اصل ماجرا را دید. ترامپ مذاکره را به عنوان ابزاری برای معامله برابر نمی‌خواهد، بلکه آن را به اهرمی برای گرفتن امتیاز بیشتر تبدیل کرده است. فهرست تعرفه‌های جدید آمریکانیز بیش از ۵۰۰ قلم کالا را شامل می‌شود.

کانادا نیز در مقابل، گزینه‌های متعددی روی میز دارد: از فولاد و لبنیات و لوازم خانگی گرفته تا تجهیزات کشاورزی، کاغذ، خمیر چوب و محصولات الکترونیکی. حتی پیشنهاد اعمال فشار بر صادرات نفت، گاز، برق و مواد معدنی حیاتی نیز مطرح شده است. موضوعی که برای واشنگتن بسیار حساس خواهد بود، چراکه انرژی بزرگ‌ترین صادرات کانادا به آمریکاست.

کارنی: آمریکا دیگر تضمین‌کننده ثبات نیست

واقعیت این است که اختلاف واشنگتن و اتاوا از ماه‌ها قبل آغاز شده بود. ترامپ بارها کانادا را تحقیر کرده، از تبدیل آن به ایالت پنجاه‌ویکم سخن گفته و حتی تهدید کرده بود برای رسیدن به خواسته‌هایش «درد اقتصادی» بر کانادا تحمیل خواهد کرد.

رئیس دولت مینیتوبا، دونالد ترامپ را فردی «بی‌ثبات، غیرمسئول و غیرقابل اعتماد» توصیف کرده و هشدار داده است که نمی‌توان با چنین فردی به توافقی مطمئن دست یافت. زیرا حتی در صورت امضای توافق نیز تضمینی برای پایداری آمریکا وجود ندارد.

یادداشت

دیپلماسی خطا
باید متوقف شودامیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

سخنان اخیر محسن رضایی دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی نشانه‌ای از تغییر نگاه در عالی‌ترین سطح تصمیم‌سازی امنیتی کشور است. تأکید بر اصلاح رفتار دیپلماتیک پس از بدعهدی‌های مکرر آمریکا و اذعان به تغییر شرایط ایران پس از جنگ‌های اخیر، یعنی تجربه تلخ اعتماد به تفاهم‌های بی‌ضمانت، از جمله تفاهم اسلام‌آباد، ظاهراً در حال تبدیل شدن به یک درس راهبردی برای سیاست خارجی است.

مسئله اصلی در سخنان محسن رضایی، نه تغییر افراد، بلکه تغییر محاسبه است. اگر شورای عالی امنیت ملی قرار است پس از تجربه چندین دور مذاکره، بدعهدی آمریکا و سه مرحله درگیری ۱۲ روزه، ۳۹ روزه و نبرد ۱۷ روزه بر سر هرمز، همچنان با همان مختصات گذشته تصمیم‌گیری کند، اساساً معنای «تجربه» چیست؟ آنچه اکنون ضرورت دارد، عبور از دیپلماسی مبتنی بر خوش‌بینی سیاسی و بازگشت به دیپلماسی مبتنی بر هزینه، تضمین و بازدارندگی است.

رضایی صریحاً از «اصلاح» در رفتار دیپلماتیک سخن گفته است. این تعبیر مهم‌تر از آن چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. تفاهم اسلام‌آباد، در صورتی که بدون تضمین اجرایی و بدون در نظر گرفتن سابقه بدعهدی طرف آمریکایی طراحی شده باشد، باید نه یک دستاورد دیپلماتیک، بلکه یک تجربه راهبردی تلقی شود.

نکته دوم و حتی مهم‌تر، هشدار رضایی درباره پیامدهای حمله آمریکا برای رژیم منع اشاعه هسته‌ای است. اگر کشوری عضو NPT باشد، با آژانس همکاری کند، فعالیت‌هایش زیر نظارت گسترده قرار گیرد و حتی برای توافقی مانند برجام محدودیت‌های سنگین بپذیرد، اما نهایتاً هدف حمله نظامی قرار گیرد، پیام این رفتار برای سایر کشورها روشن است: صرف عضویت در رژیم عدم اشاعه، تضمین‌کننده امنیت نیست.

اینجاست که رفتار آمریکا می‌تواند دقیقاً نتیجه معکوس ادعای خود را تولید کند. واشنگتن مدعی است برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای اقدام کرده، اما حمله به کشوری که عضو NPT و تحت نظارت آژانس بوده، این پرسش را در جهان تقویت می‌کند که اگر تعهد و همکاری امنیت نمی‌آورد، پس چه چیزی می‌آورد؟ به تعبیر رضایی، همین تناقض می‌تواند اشتیاق به بمب اتم را افزایش دهد. در این میان، اعتبار آژانس نیز آسیب دیده است؛ زیرا اگر نظارت‌های گسترده نتواند مانع حمله به یک عضو متعهد شود، طبیعی است که اعتماد کشورها به کارآمدی سازوکارهای موجود کاهش یابد. بنابراین اصلاح راهبرد امنیت ملی ایران باید بر یک واقعیت ساده بنا شود: دیپلماسی زمانی مؤثر است که پشتوانه قدرت داشته باشد. تجربه اخیر نشان داد اعتماد بدون تضمین، تفاهم بدون ضمانت و مذاکره بدون محاسبه هزینه طرف مقابل، نه امنیت می‌سازد و نه منافع ملی را تأمین می‌کند.

پنج ماه سکوت،
یک مطالبه
روشن

پرونده خلبانان اسیر در قطر اکنون دیگر مسئله‌ای قابل پنهان کردن نیست؛ افکار عمومی می‌پرسد چرا با وجود مکرر مسئولان ارشد مذاکرات به دو حه، وضعیت این قهرمانان به شکل جدی و شفاف پیگیری نشد. در کنار پرونده اتباع ایرانی بازداشت‌شده در کویت، این ماجرا آزمونی جدی برای وزارت خارجه و مسئولان مذاکرات است؛ آزمونی که پاسخ آن مستقیماً با اعتماد عمومی و صیانت از سرمایه‌های ملی پیوند دارد.

تبدیل شده است. پرسش بزرگ این است که چرا درباره وضعیت آنان، آن هم در قلب مناسبات دیپلماتیک و سفرهای قالیباف به دوحه، پیگیری لازم انجام نشده بود یا جلوی رسانه‌ای شدن آن گرفته شد؟



اخیر پرسش‌های جدی دارد؛ جایی که ضعف‌های پدافند غیرعامل و حفاظت از شخصیت‌ها، به شهادت جمعی از سرمایه‌های راهبردی کشور انجامید. اکنون پرونده اسرا در قطر و بازداشت‌شدگان در کویت، آزمونی دیگر است. اگر در قبال جان خلبانان قهرمان و متخصصان کشور سهل‌انگاری شود، این تصور تلخ تقویت خواهد شد که جان سرمایه‌های ملی در سایه سوءتدبیرها آن گونه که باید جدی گرفته نمی‌شود. مسئولیت این پرونده، به‌ویژه بردوش رئیس تیم مذاکره‌کننده و عهده دار دیپلماسی با قطر و وزارت امور خارجه دولت پزشکیان و مابقی تیم مذاکره‌کننده‌ای است که تفاهم خسارت بار و بی‌نتیجه اسلام‌آباد را سند سرفرازی و سند شکست آمریکا معرفی می‌کردند اما در قبال امضای آن حتی نتوانستند ایرانیان به اسارت گرفته شده را آزاد کنند. نکته مهم‌ترین این است که قطر باید تاوان نمک‌نشناسی خود در برابر سخاوتمندی‌های خاص ایران در قبال این کشور و همچنین تاوان خیانت به ایران در همراهی با آمریکا برای حمله به ایران را بپردازد.

وقتی این نهاد برای خانواده‌های زندانیان گوانتانامو زمینه ارتباط تصویری فراهم کرده، انتظار می‌رود برای اسرای ایرانی نیز چنین اقدامی را با سرعت دنبال کند. دفتر صلیب سرخ در منطقه کشورهای عربی باید در این زمینه پیشگام شود و حتی فراتر از ارتباط خانوادگی، آزادی سریع اسرا را پیگیری کند. اما اینجا یک سؤال اساسی مقابل مسئولان قرار دارد: چگونه محمد باقر قالیباف، به عنوان یکی از مسئولان ارشد مذاکرات، که طی ماه‌های گذشته بارها به دوحه سفر کرده و با مقامات قطری دیدار داشته، نتوانسته یا پیگیری لازم را درباره سرنوشت خلبانان ایرانی انجام دهد؟ اگر این موضوع از ماه‌ها قبل در جریان بوده، چرا افکار عمومی از آن بی‌خبر مانده و چرا پنج ماه طول کشیده است تا مسئله رسانه‌ای شود؟ این ابهام، موضوع را از یک پرونده کنسولی فراتر برده و به مسئله مدیریت، مسئولیت‌پذیری و صیانت از سرمایه انسانی کشور تبدیل کرده است. ملت ایران هنوز درباره نحوه حفاظت از دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان بلندپایه در دو جنگ

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

سردار باقرزاده در نامه‌ای جدید ضمن استقبال از پذیرش تیم کارشناسی جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت قطر، خواستار همکاری کامل این کشور شده و تأکید کرده است محل نگهداری اسرا روی آب مناسب نیست و آنان باید برای حفظ سلامتشان هرچه سریع‌تر به خشکی و بیمارستانی مجهز منتقل شوند. این درخواست، در کنار ضرورت روشن شدن وضعیت جسمی و حقوقی اسرا، حساسیت موضوع را دوچندان می‌کند.

در سوی دیگر، چهار تبعه ایرانی بازداشت‌شده در کویت نیز همچنان نیازمند پیگیری جدی هستند. باقرزاده از موافقت اولیه دولت کویت برای ملاقات سفیر ایران با این افراد استقبال کرده و خواستار رعایت حقوق اسرای جنگی مطابق کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و فراهم شدن امکان ارتباط آنان با خانواده‌هایشان شده است. نکته مهم‌تر، مطالبه صلیب سرخ است.

سیاست خارجی

گاردین: ایران به دنبال تکرار به «زانو درآوردن» ترامپ مشابه کارتر است

روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی تحلیلی به بررسی تأثیرات مخرب جنگ افریزی دونالد ترامپ علیه ایران بر اقتصاد آمریکا و چشم‌انداز سیاسی او در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره پرداخته است. این گزارش با یادآوری ناکامی جیمی کارتر، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی، شرایط کنونی ترامپ را نیز درگیر باتلاقی مشابه ارزیابی می‌کند. این روزنامه انگلیسی می‌افزاید: «انسداد عملی مسیر حیاتی تنگه هرمز توسط ایران، قیمت جهانی نفت را افزایش داده، و هزینه‌های زندگی شهروندان آمریکایی را بالا برده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند اکثریت رأی‌دهندگان آمریکایی معتقدند وضعیت معیشتی‌شان از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید وخیم‌تر شده است؛ شاخصی که به گفته تحلیلگران، پژواک همان پرسش معروف رونالد ریگان از رأی‌دهندگان در زمان مناظره انتخابات ۱۹۸۰ با کارتر است: آیا وضع شما نسبت به چهار سال پیش بهتر شده است؟»

گاردین با اشاره به شباهت‌های تاریخی وضعیت ترامپ با کارتر، به نقل از لری ساباتو، مدیر مرکز سیاست دانشگاه ویرجینیا می‌نویسد: «کارتر نتوانست مسیر را عوض کند و شاید همین بیش از هر چیزی با عملکرد ترامپ قابل مقایسه باشد، چون ترامپ هم نمی‌تواند مسیر را عوض کند. کارتر گیر افتاده بود چون بعد از عملیات نافرجام نجات، گروگان‌ها در سراسر ایران پراکنده شدند و راهی برای بازگرداندن‌شان وجود نداشت. ترامپ هم گیر افتاده چون از اول استدلال خوبی برای جنگ نداشت. او فقط یک پیروزی دیگر می‌خواست.»

The
Guardian

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۱۷

یادداشت

یک رمان و یک فیلم؛ تازه‌ترین آثار مینابی

علی نقدی
روزنامه‌نگار

چاپ اولین رمان و مجوز گرفتن یک فیلم درباره میناب نشان می‌دهد جنایت آمریکایی-صهیونی در میناب از نظر هنرمندان متعهد ما دور نمانده است. رمان «خونابه میناب» نوشته سید حمیدرضا مهاجرانی با موضوع حمله به مدرسه «شجره طیبه» میناب و پیامدهای این حادثه برای خانواده‌های شهدای آن، توسط انتشارات امیرکبیر منتشر و وارد بازار کتاب شد. این اثر نخستین رمان داستانی درباره حادثه مدرسه شجره طیبه میناب است. روایت کتاب برزندگی مردم شهر و خانواده‌های شهدای حادثه تمرکز دارد و نویسنده تلاش کرده‌است ماجرا را از قالب گزارش مستند خارج کند و در قالب داستان، زندگی، سوگ و رنج خانواده‌ها را بازتاب دهد.

مهاجرانی پیش‌تر در نشست «اردیبهشت کتاب» درباره روند نگارش این رمان گفته بود. او برای تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات، مدتی را در میناب و روستاهای اطراف آن گذرانده است. در گزارش‌های مختلف، مدت حضور نویسنده در منطقه حدود یک تا دو ماه اعلام شده است. او در این مدت با خانواده‌های داغدار و مردم منطقه گفت‌وگو کرده و بخشی از تحقیقات خود را در آرامستان‌های میناب انجام داده است.

سیدحمیدرضا مهاجرانی از مترجمان ادبیات عرب و آثار نویسندگان فلسطین و مقاومت است. براساس گزارش‌های منتشرشده، برای ترجمه «خونابه میناب» به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه نیز رایزنی شده است. نسخه عربی کتاب را خود نویسنده ترجمه کرده و برای سماری از نویسندگان جهان عرب، از جمله یوسف زبدان، اعرج و ابراهیم نصرالله رستاده است. این نویسندگان، اثر را داستانی تأثیرگذار و تکان‌دهنده توصیف کرده و از آن استقبال کرده‌اند.

هم‌زمان، ساخت فیلم سینمایی «صد و شصت و هشت» با موضوع کودکان شهید مدرسه میناب اعلام شده است. این فیلم به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی و نویسندگی و کارگردانی بابک لطفی خواج‌پاشا تولید خواهد شد.

«صد و شصت و هشت» در حلقه تحقیق و پژوهش برای نگارش فیلمنامه قرار دارد و جزئیات تولید آن بعداً اعلام می‌شود. با وجود انتشار ادعای دریافت مجوز ساخت، در گزارش‌های رسمی بررسی شده مدرکی درباره صدور پروانه ساخت فیلم مشاهده نشده و منابع تنها از اعلام تولید و برنامه‌ریزی برای ساخت آن خبر داده‌اند.

محمدی و خواج‌پاشا پیش‌تر فیلم «سرزمین فرشته‌ها» را درباره کودکان غزه ساخته‌اند. این فیلم در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر، پنج سیمرغ بلورین و هشت دیپلم افتخار دریافت کرد.

چرا تلویزیون باید سریال‌های باکیفیتش را تبلیغ کند؟

عملیات ممکن برای نجات کنداکتور

حالی‌که پلتفرم‌های نمایش خانگی با صرف هزینه‌های سنگین، حتی آثار ضعیف خود را از طریق بیلبوردهای شهری، تبلیغات محیطی و کمپین‌های گسترده به مردم معرفی می‌کنند، تلویزیون در این زمینه سکوت اختیار کرده و تنها به تبلیغات محدود برای مجموعه‌های تجاری خاصی بسنده می‌کند.

رسانه ملی در شرایطی فصل پاییز را با مجموعه‌های متنوعی همچون کارآگاه علوی سه، مرد سه هزار چهره، اسباب زحمت، آقای قاضی، اکسیر، سرو، سپید، سرخ دو و دیوار دفاعی آغاز کرده که ضعف شدید تبلیغات میدانی برای معرفی این آثار به مخاطبان، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سازمان صداوسیما محسوب می‌شود. در



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

این در حالی است که صداوسیما برندهای شاخصی مانند کارآگاه علوی و مرد سه هزار چهره در اختیار دارد که می‌توانند مخاطبان بالقوه را مقابل جعبه جادو بنشانند، اما هیچ مانور تبلیغاتی مناسبی روی آن‌ها انجام نمی‌شود و این غفلت باعث از دست رفتن فرصت‌های بزرگ جذب مخاطب شده است. بررسی آمارهای پخش نشان می‌دهد که مجموعه‌هایی مانند کارآگاه علوی سه با وجود داشتن مخاطبان وفادار از فصل‌های قبل، در فصل جدید تقریباً هیچ تبلیغ محیطی در سطح شهر ندارند. همین وضعیت برای مرد سه هزار چهره که یکی از شاخص‌ترین تولیدات تلویزیون است نیز صدق می‌کند.

در مقابل، پلتفرم‌ها با کمپین‌های چندماهه و استفاده از بیلبوردهای بزرگ، مترو و اتوبوس، حتی سریال‌هایی با امتیاز پایین مخاطب را به موفقیت تجاری می‌رسانند. شبکه‌ها، تلویزیون‌های کابلی و سرویس‌های پخش استریم آمریکا و اروپا دهه‌هاست که از استراتژی‌های مشخصی برای تبلیغات میدانی استفاده می‌کنند که می‌تواند الگوی مناسبی برای صداوسیما باشد. شبکه‌ای او با سریال بازی تاج و تخت از سه سال قبل از پخش فصل اول، کمپین‌های محیطی گسترده‌ای را با استفاده از پوستره‌های مرموز در شهرهای بزرگ آغاز کرد و از بیلبوردهای تعاملی و رویدادهای خیابانی برای افزایش انتظار مخاطب بهره برد.

شبکه بی‌بی‌سی با سریال شرلوک از استراتژی تبلیغات چریکی استفاده کرد و با قرار دادن سرخ‌هایی در سطح شهرلندن، مخاطبان را درگیر حل معما کرد تا سریال قبل از پخش به موضوع بحث عمومی تبدیل شود. شبکه‌ان‌بی‌سی در دهه نود میلادی با سریال فرنندز از استراتژی تبلیغات یکپارچه استفاده کرد که شامل بیلبوردهای

یادداشت

توقیف نه؛ اعلام جرم کنید!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

توقیف برنامه مبتذل «درجام» نه پایان ماجراست و نه حتی لزوم یک مجازات بازدارنده. در وضعیتی که برخی تولیدکنندگان نمایش خانگی فهمیده‌اند توقیف، خودش می‌تواند بهترین ابزار تبلیغاتی باشد، این مدل برخورد عملاً به جای خشکاندن ریشه ابتذال، به آن خوراک تبلیغاتی می‌دهد. یک برنامه توقیف می‌شود، کلیپ‌های جنجالی‌اش دوباره در فضای مجازی می‌چرخد، نامش ترند می‌شود و بخشی از مخاطبانی که اساساً آن را نمی‌شناختند، کنج‌کاو می‌شوند ببینند چه چیزی گفته یا نشان داده شده که توقیفش کرده‌اند. یعنی همان تخلفی که باید هزینه داشته باشد، تبدیل به سرمایه تبلیغاتی می‌شود.

چرخه ابتذال را متوقف کنید!

مدتی است اغلب برنامه‌های نمایش خانگی ظاهراً یک نسخه ساده برای مخاطب‌گیری کشف کرده‌اند: هرچه رکیک‌تر، جنسی‌تر و بی‌پروا‌تر، وایرال‌تر! شوخی‌های جنسی، دیالوگ‌های سخیف، کنایه‌های مبتذل و طراحي موقعیت‌هایی که اساساً هدفشان شکار کلیپ چندثانیه‌ای برای شبکه‌های اجتماعی است. حتی گاهی بازیگرزن متأهل را مقابل دوربین در موقعیت‌هایی قرار می‌دهند که بیش از آنکه نسبتی با طنز داشته باشد، شبیه یک حراج حیثیت برای چند دقیقه توجه بیشتر است.

اسم این کار را هرچه می‌خواهید بگذارید؛ طنز، جسارت یا خلاقیت؛ اما ماهیت آن را نیم‌توان پنهان کرد. ماهیت این گونه برنامه‌ها همان منطق پورنوگرافی غرب است که در اینجا با پوشش خجالت‌زده‌تری خود را عرضه می‌کند. درواقع اینجا مسئله، ابتذال سازمان‌یافته برای جذب مخاطب است که به وسیله پحران جنسیت و فقدان نظارت هرگونه که بخواهد جولان می‌دهد.

بدتر آنکه ظاهر برخی عوامل به یک محاسبه روشن رسیده‌اند: تخلف می‌کنیم، دید می‌شویم، وایرال می‌شویم، اعتراض می‌شود، شاید تذکر بگیریم، نهایتاً هم توقیف می‌شویم؛ اما همین توقیف دوباره نامان را سربازان‌های اندازد. چنین معادله‌ای، تخلف را از ریسک به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند.

پس باید این معادله را به هم زد!

اگر برنامه‌ای عمداً و پس از تذکرو تعهد، دوباره همان مسیر را ادامه می‌دهد، دیگر نمی‌توان با یک اخطار و توقیف صوری سروته ماجرا را هم آورد. در مواردی که رفتار صورت گرفته واجد وصف قانونی است، باید علیه عوامل مسئول اعلام جرم شود و پرونده قضایی تشکیل شود.

هزینه تخلف باید آن قدر واقعی باشد که هیچ تهیه‌کننده‌ای نتواند آن را در جدول هزینه‌های تبلیغات خود محاسبه کند. نمایش خانگی قرار نیست به آزمایشگاه بی‌قیدی فرهنگی تبدیل شود؛ جایی که هر بار برای جذب چند کلیک و چند بازدید، یک مرز تازه را امتحان کنند و بعد هم بازست هنرو کمدی از زیر بار مسئولیت فرار کنند.

اگر نظارت فقط به توقیف پس از وایرال شدن محدود باشد، این چرخه ادامه پیدا می‌کند. برخورد باید پیشگیرانه، سریع، حقوقی و هزینه‌زا باشد. وگرنه فردا همین جماعت برای وایرال شدن، چیزهای رکیک‌تر و بی‌شرمانه‌تر روی میز خواهند گذاشت؛ چون تجربه به آنها یاد داده که در این میدان، حتی توقیف هم می‌تواند جایزه باشد.

«هیچکس» و «هزار ملیمتر» آثاری هستند که موفق به دریافت مجوز ساخت شده‌اند.

در میان عوامل این پروژه‌ها، نام چند فیلمساز و تهیه‌کننده شناخته‌شده سینمای ایران به چشم می‌خورد؛ پرویز شیخ‌طادی، رهبر قنبری، بابک لطفی خواج‌پاشا، احمد درویشعلی‌پور، مهدی اصغری ازغندی و منوچهر هادی از جمله چهره‌هایی هستند که در مقام تهیه‌کننده یا کارگردان در این آثار حضور خواهند داشت.

صدور این مجوزها در شرایطی انجام شده که سینمای ایران همچنان در تلاش برای افزایش تنوع تولید و ورود پروژه‌های تازه به چرخه ساخت است. با آغاز مراحل پیش‌تولید، جزئیات بیشتری از داستان، عوامل و زمان تولید این شش فیلم مشخص خواهد شد.



شورای پروانه فیلمسازی سینمایی با ساخت شش فیلم‌نامه جدید موافقت کرد تا پروژه‌های تازه‌ای به جریان تولید سینمای ایران اضافه شوند. فیلم‌نامه‌های «بوکن»، «پلک» پریشان پروانه»، «صد و شصت و هشت»، «عمو بچه‌ها»،

شش فیلم در مسیر ساخت!